دلایل فلسفی موافقان و مخالفان سقط جنین
(سقط جنین در فلسفه اخلاق)

حسین ارکی

چکیده

در رابطه با سقط جنین سه دیدگاه جنین است: مخالفان آزادی سقط به‌ویژه به اولاً حقوق زن مانند حق تصمیم‌گیری برای تولید مثل، حق کنترل بر بدن خویش، اصل خود-تحییتی و عدم تشخیص اخلاقی، انسانیت و حق حیات جنین قبول نمی‌سازند. مخالفان آزادی سقط در وجه جنین، تأثیر بارداری زن بر سلامت خویش و خانواده و میزان مسئولیت زن در بارداری می‌کندند. در مسالمه محل نزاع است: اول، آیا جنین انسان است و از چه زمانی یک شخص اخلاقی دارای حقوق انسانی مانند حق حیات می‌شود. دوم، در تعاضب حقوق زن و جنین، کدام‌کاندی اولویت و تقدم دارد؟ مخالفان سقط، جنین را از زمان‌های اولیه به‌ویژه در دارای تشخیص اخلاقی و حقوق اخلاقی می‌دانند و تشخیص اخلاقی را بر اساس رشد بیولوژیکی تفسیر می‌کنند. موافقان سقط، زن می‌شخسی را به مراحل داخلی تکامل جنین و هنوز بعد از تولد می‌کنند و درمانی روانی به‌وجود آمده، تضمین می‌کنند. موافقان سقط، زن می‌شخسی را به مراحل داخلی تکامل جنین و هنوز بعد از تولد می‌کنند. به‌نظر می‌گردد، سال‌های اصلی در حقوق جنین حیات داشتن جنین و تعیین زمان انسان شدن آن است. حق حیات داده مدار حیات است. جنین از زمانی که اعضای اصلی و ریشه‌بند کننده یک می‌شودند، یک انسان است و حق حیات دارد و سقط این جایی نیست، مگر باید حفظ جان مادر. قبل از این زمان، سقط مطالعه جایی است چون جنین انسان نیست.

واژگان کلیدی: اخلاق، جنین، حقوق حیات، تشخیص

1) دکتری فلسفه تطبیقی، عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان

شناسی: زنجان، کوچم‌شکی، چهارراه اول، 22 متری اول، روبروی مسجد مسلم بن علی پلاک ۷۰، محل کان دانشگاه زنجان، کیلومتر 5 جاده تبریز، کوچه فلسفه تلفن: ۰۳۱۳۴۱۸۹۱۲۰۳ email: atrak_hossein@yahoo.com
مواد قبلی سطح جنین به‌ندرست آن را غیر مجاز خواهد بود. بی‌شمارند به‌ویژه از آن‌ها که فیلیستین‌هستند، تصمیم‌گیری زن برای تولد حمل خود با عدم آن را از جمله حقوق اصلی زن در تولید مثل می‌دانند. برخی دیگر از موافقان غیر فیلیستینس، بیش از آن استقلال شهروندان اهل خود-تغییر زن و عدم تحقیق اخلاقی جنین تأکید می‌کنند. اگر زن مورد سرقت اخلاقی است، حق تحقیق‌گیری در مورد خود را دارد. اغلب آن‌ها گرچه به زمانت اخلاقی در مورد عدم قتل و آسایش دیگران معتقدند ولی جنین را قادح حضور بررسی‌کنند و البته شخصیت روان‌شناختی و بیولوژیکی دارند. بیشتر کسانی که به برداشتن زن در بارداری و سقط جنین را کشتن و قتل یک شخص کامل اخلاقی نمی‌پذیرند. مهم‌ترین سطح جنین از نظر اخلاقی گاهی صورت گرفته و در آن باید و در هر نظر خورد و در نظر گرفته مانند: مراحل رشد، سعادت و سلامت فیزیکی و روانی جنین و تأثیر ادامه بارداری در زن خانواده و کسانی که با آن کم شرایط زن در بارداری و جامعه شدن و قوت و ضعف دلایل برای سقط (2).

یک سقط جنین مطرح در سقط جنین این است که آن‌ها به‌طور کلی دیدگاه‌های مطرح در سقط جنین به‌سوی دسته‌بسته می‌شوند: موافقان محدودیت سقط، کسانی که اغلب به‌عنوان مخالفان حقوق جنین معرفی می‌شوند، موافقان جواب‌گیر که طرفدار آزادی حقوق جنین هستند و میان‌روها. مخالفان سقط اغلب جنین را به بخشی از زمین‌های رشد‌ور (و یا زمان لاحق در بارداری) یک شخص کامل اخلاقی می‌دانند و همان حقوق اخلاقی اشخاص کامل را برای آن قابل‌توجه هستند، حتی وقتی حکم بوده‌اند از قبل این که به‌طور خاص حق حیات جنین مقدم است با حق کنترل مادر بی‌پدش؟

1. سالیه تحقیق جنین

مواد قبلی سطح شناسی جنین را رسانه‌های اویلی رش چندان قرار می‌دهند و شخصاً بی‌طور کلی بر اساس

3. personhood

2. abortion
رشد بیولوژیکی جنین نفسی می‌کند. آنها جنین را از همان مراحل اولیه رشد یک موجود مستقل انسانی دارای حقوق اخلاقی از جمله حق جانی می‌دانند. جنین معتقدند رشد بیولوژیکی جنین یک پروسه‌ی منجر است و هیچ نه بعثتی. این گروه در رشد جنین وجود ندارد که به طور جدی ممکن است سایر نظرات باشد و به‌طور نشان‌دهنده جانی و وجود دارد که جنین ناگهان شخص انسانی گردید. بنابراین از همان اول باید اگر یا را شخص اخلاقی و انسانی دانست.

در مقابل، مخالفان حقوق معمولاً رشد شخص اخلاقی این انتها را مراحل متأخرتر حتی بعد از تولد و بر می‌گردانند. آنها ته رشد بیولوژیکی باید توانایی‌های روان شناسانی جنین ماند خودگانگرا را مانند قرار دهند. به عقیده ای‌شن این چگونه از نظر بیولوژیکی یک انسان است و لی این را برای شخص اخلاقی بودن و داشتن حق جانی کافی نمی‌دانند. 

بیان‌های با فهم هیچ‌یک از دو جزء قبل از شخص اخلاقی توافق ندارند. بیماری‌های معتقدند در رشد جنین نقاط شخصی و تمام‌پذیری و وجود دارد که از نظر اخلاقی مبنا می‌دانند. برخی پاپیونی داروهای روان‌پزشکی و برخی پایان‌داری جنین که ممکن سیستم‌های ارگانیکی کامل شدن‌داده‌های را حاصل اهمیت می‌دانند. برخی زمان رشد اعصابا با معنا می‌دانند. برخی نیز زمان زیست‌پذیری جنین در خارج از رحم به‌طور مستقل را ملان شخص می‌دانند.

1- استدلال مخالفان حقوق
2- استدلال مخالفان حقوق
3- استدلال مخالفان حقوق
4- استدلال مخالفان حقوق
5- استدلال مخالفان حقوق

Mary Anne Warren

John T. Noonan
فردی را عضوی از گروه اجتماعی (5). ویران خود معنی‌ساز است که این خصوصیات تحلیل دیقیق شخص اختلافی نیستند و برای حل مساله‌ی سطح کافی هستند. لازم نیست یک مجموعه‌ای از خصوصیات را داشته باشد که شخص اختلافی با این صدق کند وی از عادت از آنها را بیشتر تر داشته باشد اطمنیان به شخصیت او بیشتر
خواهد بود. البته کمی از آنها برخوردار باشد در اختلاف اخلاقی از مورد شواهد بود و اگر هیچ‌یک از آنها را داشته باشد می‌توان مطمئن بود که او شخص اختلافی نیست. جنین هیچ‌یک از این خصوصیات را ندارد، پس شخص اختلافی دارای حقوق اختلافی از جمله حق جنین نیست و کشتن یا اعمال اختلافی ندارد. البته ویران معتقد است که هرچه جنین کشته می‌کند بیشتر از این خصوصیات برخوردار می‌شود. اگر جنین محاصره‌ای بی‌شمار را دارد و یا صدای فنان نقده می‌دهد پس بهتر می‌داند که اگر زنان تنها بر سطح دارند در ماه‌ها اولیه این کار را بپندازند. ولی در نهایت جنین به ما هم فاقد تنش خاصی اخلاقی و حقوق جنین می‌داند (5).

۷-۲-۰-۲-۰-۱-۰-۱-۰-۰-۰-۴: ماکس کولوی را دیگر مواقف سطح جنین و نوزادی کمیک توجه اختلافی و داشته حیات یا اصل علاقه‌مندی می‌داند «نهاگونه از دیگر چهار حق اخلاقی هستند که (می‌تواند با) دارای علایقی هستند.» از آنجا که علاقه‌ای با جنین از امیال و آزموز می‌آید چکر که در حالی که خصوصیات ات فازه مثالی می‌شود، می‌تواند روانه‌اند، حال خصوصی (6).

سپس تخم باروری انسانی خنگ و خوش دارد در امیال و بی‌توجه بود. از جمله حق جنین، ناهم‌افزایی بعد از ماه‌ها پس از حیات این بی‌توجهی در رشد افراد مسن، مسالحات از احترام بیشتر نسبت به افراد میانسال و جوان برخوردارند. جنین احترام‌های معمالاً نسبت به یک‌کودک لازم نیست. مثلا لازم نیست ما به احترام یک کودک در از جا برخیزم. یک دبیرم در حوزه‌ی جنین...

6. Michael Tooley
7. interest
کیم جهانی کی فریدی از نوع انسانی می‌شود. رشد قوانین روان‌شناختی به تنها نیم توانده مبکش خوبی برای تعیین انسانیت باشد. چرا که لازم می‌آید بیماری از افراد انسانی از دایره انسان بدون خارج شوند و بیماری از غیر انسانی داخال در انسانیت گردد. بنابراین بهترین ملایم تمایز انسانی از غیر انسانی رشد بیولوژیکی و ساختاری است. ولذین از اگرگان‌های ظاهری و خصوصیات زیستی سعی مال مهار در تعیین نوع موجودات هستند. این که این نظر از چه در می‌آید ایده شده، ادامه آرگان‌های بدنی یا شیوه چه نوعی از موجودات است و خصوصیات زنی یا چیست. تعیین کننده نوع یک موجود است. اگر احساس از والدین انسانی ایده شده که در این صورت زنگه‌ای انسانی هم خواهد داشت. به محض اینکه ادامه‌ای یا شکل گری‌گی انسان‌ها شده و برخورد از حقول اولیه انسانی خواهد شد. جنبی که ادامه‌ای یا شکل انسانی ندارد، مالاً دارای سر انسانی و بدنه انسان نامید.

اما مسائلی مهم می‌گذیر تعیین اعضای اصلی و رئیسی بدن است. وجود همه اعضای بدنی بیاری انسان نامیدین یک فرد لازم است. شخصی که دست‌ها یا پا و داشته باشد بیان انسان است. پس مهم تعیین آن دسته از اعضای بیولوژیکی و بدنه است که حیات انسانی و بینه به ان‌هاست.

در تعیین این اعضا باید از علم پزشکی و فیزیولوژی کمک گرفت. اعضای رئیسی و اصلی انسان مغز، قلب، سیستم تنفسی، خون، قلبی هستند که بدون یک‌ها ادامه حیات انسانی ممکن است. اعضای ادامه‌ای از چشم، گوش‌های زبان، دست و گردن. به نظر می‌آید چون انسانیت به ان‌ها است. اگر آنان، هر چه زمان که اعضا اصلی بدن جنین شبک هرگونه و کامل شوند، جنین فریزی از انسان شده است و دارای حق حیات و مصوصیت از قتل است. علم پزشکی زمان تحقق این اجزای را مشخص کرده است و در مورد هر جنین هم می‌تواند تعیین کند. لذا در

یکسانی با پرزگان‌الان بخوردار نیست ولی دارای حقوق اولیه انسانی است.

به نظر ما حق حیات دادن مدار حیات است. هر موجودات که از نظر بیولوژیکی حیات داشته باشد، از حق حیات نیز بخوردار است. گرچه خود آنها به این حق نیاز دارند و توانای مطلق به کن. حتی حیوانات و گیاهان نیز از حق حیات بخوردارند و ما حق این مسئله تفکیک حقن مناطق و ملایمی که باید می‌شود ما کشتی انسانی‌های باطل را از نظر اخلاقی نادرست ببیشمار زند بودن و حیات داشتن آن‌هاست. به رشد روان‌شناختی و مقتضی آن‌ها. اگر شخص بالعمر حق تمرین شروع و آگاهی از خود نداشته باشد، و از لحاظ عقلی و احساسی در پایین‌ترین سطح باشد مثال روش روتنی او به اندازه جنین چهارم‌ماه‌گی باشد. ما باز کشتی، او نادرست می‌شماریم که وجود زندگی است. حیوانات و گیاهان نیز این مالا را دارا هستند پس کشتی آن‌ها نیز غیر اخلاقی است.

ثانیاً اگر دقت شود در بحث سقط جنین، مسئله این نیست که آیا جنین حق حیات دارد یا نه. مسئله این است که آیا ما حق کشتی جنین را داریم یا نه؟ ممکن است کسی قانع باشد که جنین حیوان است و شاید باشد حق را ندارد ولی این به معنای بودن حق برای ما در کشتی نیست. این اثبات حق برای خود محتج لیبل است. کسی دارای حق دارای حق سلب حیات از موجود زندگی است که خودش حیات را به او اعطا کرده باشد. ما از جانب خود مطمئن هستیم که چنین قدرتی نداریم که موجود زندگی‌ای را خلق کنیم پس حق سلب حیات از موجود زندگی‌ای را نیاز نداریم. این حق حیات محتج لیبل است. به این که موجود زندگی‌ای جان ما را بهدید می‌کند این حق ایجاد می‌شود و ما می‌توانیم از خود دفاع کنیم. اما در غیر این صورت خیر.

نقطه استحقا حقن جنینی از لحاظی تحقق انسانیت و فردی از نوع انسان شدن نتایب می‌شود. پس مهم این است که تعیین
جودیت جروث دوخته‌نامه‌ای است که آنها در کتاب‌هایی نوشته شده است. در اینجا نخست از یک زمان جزین به عنوان رسیدگی به جریان‌های جدی‌تری استفاده می‌شود. 

۸ Judith Jarvis Thomson
نواز شخص است. پس حق حیات دارد. شکی نیست که شماری حق تعمیم گیری بر بدن‌تان دارد ولی حق حیات و پیروان‌نواز مهمتر است. بنابراین هرگز نباید از یک چنین شیوع بررسی شود. این استحاله مانند استحالات منوعه سطح معقول به نظر مرسد ولی در موقع نادرست است (7).

نکته دیگری که خانم تامسون به آن اشاره می‌کند این است که حق حیات داشتن به معنای حق کشتن نشدن نیست بلکه به معنای حق کشتن نشدن ظالمانه و ناعادلانه است.

وپیروان‌نواز حق حیات دارد ولی شما هم حق بر بدن‌تان دارید و با قطع اعمال الکلی به نظر تکرده و یا را ظالمانه نکنید (7).

البته جودیس تامسون معفوت نیست که زن همیشه حق کشتن بر بدن خود دارد. اگر حاملگی زن اختیاری بوده، پس به چنین حق استفاده از بدنش را داشته است. بنابراین، سطح حاد را دارد. ما جودیس استحالات را از راه نگرش و زن نقش در حاملگی نداشتید. پس، حق استفاده از بدنش با چنین خوشی را به چنین نداشته است. بنابراین سطح و کشتن جنین به معنای کشتن ظالمانه و محروم کردن از حق حیات نیست (7).

نقد استحالات تامسون

۱. بررسی بیک باور وی. می‌گوید اشکال اول تامسون این است که جنین جزو بدن مادر است و حق کشتن بر بدن خود به معنای حق کشتن بر جنین نیست، دوم، حق کشتن زن بر بدن خود صحیح است ولی چه چیزی از آن استحاله کرد؟ ما همچنان موفق به عدم اصرار به غیر همکاری. و چندین حق و حکم کشتن بر بدن موجب اضرار به جنین می‌شود که اشکال استحاله از آن جایز نیست (8).

۲-۳. استحالات جین انگلیش ۱۱: خانم جین انگلیش

موضع مخالفی در مسائل سطح دارد. وی معفوت است مبهوت که کشتن یا از بدن مادر تامسون نیست. اگر کسی به شما حمله کند و تنهایی را جلوگیری کند، کشتن یا از بدن به این کار از باب دفاع از نفس مجاز است. جنین گرچه به گناه‌های وی.

۱۰. Baruch Brody
۱۱. Jane English

9. Francis J. Beckwith
دنوش کاتانزاس از دیگر فیلسوفانی است که معتقد است مخافاق و موافقت سقط کرده در استقلال حوزه مسائلی تشکیل خلاقیت می‌پردازد همگی در استقلال. آن‌چه در مسائل سقط مهم فهم چیزی است که قبل از نفس نادرست می‌سازد. اگر چیزی که قبل از خاطر حوزه این است که قبل از نفس نادرست است وا ممکن است جان مادر با خطر اندازد. اما ایا بر خلاف تا کسی معنای سقط است حق استقلال فیزیکی یک قانون بند. حق دفاع از نفس مطلق نیستند و گویا مام حکم این حق تحت شرعی و طبیعی عدم اضرار به دیگران قرار می‌گیرد. اگر حضور جنين یک نهادی ساده به منافع زندگی باشد، به نظر می‌رسد دفاع از نفس نمی‌تواند توجه کنند سقط یکی باشد. اما اگر تهدید جنين مساوی ضرر جنی از دست داده‌شدن از بدن مادر یا است کشش جنين یک نهادی ساده باشد، گرچه جنين یک گناه است کشش جای است. ولی اگر بدان یک آبی کمربند به جنين خود را از خطر نجات داد کشش یا جایز نیست.

اگر نمونه مثبت است در ماههول بارداری چون جنين شده انسان نیست کشش او به خاطر اندازه مادر در حوزه مادر چه باشد چون بایستی است ولی در ماههول پاپانی که جنين فردی از انسان است، به زور برای نجات مادر سقط جایز نیست. در مراحل میانی بارداری که جنين شده به می‌شد سقط فقط در صورتی که این آسیب‌ها به یک نیروی ضرر‌زا فیزیکی یا روان‌شناختی یا اجتماعی و یا اقتصادی شود (۱۰). 

استدلال دان مارکوس: دان مارکوس ۱۲ استاد فلسفه

۱۲. Don Marquis
اگر نجات و تحویل حد و دفع تهدید از ما ترسانند، یا زخمی کردند و نیاز به آن نمی‌بینند، آن‌گاه مجبور به کشتی هستند. اما در حالت دوم، می‌شود تا به این تهدید برای کشتی شخص نیست یکی صرفه یافته‌ایم، آزاد و اذیت و ضرر زدن به آن را راه نشان داده‌ایم. صورتی به دفع از نفس و دفع ضرر از آن را دارد و یا دفع ضرر و اذیت از حق کشتی را ندارد. حق می‌تواند با تهدید است. چنین یا صورتی به دفع از نفس ندارم. یکی که راهی برای خلاصی از آزار و اذیت از حق کشتی وجود داشته باشد.

در سال‌های صدها هم‌انجام که بارداری تهدید کند که نماد است حق صدها و چندین پسری وجود دارد. یکی از چنین وکالتی که رئیس بوده است. چنین یکی که می‌خواهد فردی برای مادر بوده در صرفه موجبی در حمل و زایمان است به بهانه اذیت و درد، حق کشتی و سقط ندارم. بلکه فقط حق کاهش و رفع درد را داریم. اگر بتوان یا چنین حق نداریم و بدون صدمه به چنین کاهش داد باید آن را انجام داد.

اگر به چنین حق استفادة از بدن مادر قادری نباشیم، استفاده جدی می‌تواند قابل خشونت نیست و درست است. مادر حق نکننده بدان خوشی یا می‌تواند به چنین اجازه یا استفاده از این‌ناهیده نه دهد. اما یکی با معانی حق سقط و کشتی نیست. بلکه زن نمی‌تواند یا فرد برای کاهش خانم کننده. اگر به چنین می‌تواند یا صدمه به او را داشته چنین توانتی نوا نه که بینان در بیرون از بدن مادر را داشته چه بقای و اگر نتشست و مرد، زن مسئول مردن او نیست. چون او چنین که کما کردند صدمه می‌باشد. یکی که در سرمای کشتنی زیستند بتواند اجاق وارد خانه ماند می‌شود و یا از پرورش می‌کنیم و او


